

Evaluating Legal Methods for the Settlement of International Environmental Disputes

(Type of Paper: Research Article)

Mohammad Zaker Ardakani¹, Alireza Arashpour^{1*}

Abstract

States commitment to resolving environmental disputes by legal methods creates an appropriate legal guarantee for members of the international community to fulfill their environmental obligations which, in turn, are focused on the comprehensive protection of the global environment. Therefore, the role of international judicial bodies in ensuring the fulfillment of states' environmental obligations is undeniable. This article seeks to answer the question: what role does resorting to legal methods for resolving environmental disputes, play in ensuring implementation of states' environmental obligations? For this purpose, by examining legally-binding instruments the role of international judicial authorities in strengthening the implementation of environmental obligations will be scrutinized, and it will be proven that states' commitment to resolving environmental disputes through legal means, in addition to the development of international environmental law, leads to the creation of appropriate enforcement guarantees as regards compliance with international obligations to the environment and humanity.

Keywords

international environmental obligations, international judicial procedure, international responsibility of states, legal, settlement of international disputes.

1. Ph.D. Candidate, Islamic Azad university, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.
Email: mza72695@gmail.com

2. Associate Prof., University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author). Email: a.arashpour@ase.ui.ac.ir
Received: September 23, 2019 - Accepted: October 26, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ارزیابی قضایی حل و فصل اختلافات بین‌المللی زیست‌محیطی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محمد ذاکر اردکانی^۱، علیرضا آرش‌پور^۲*

چکیده

توسل دولت‌ها به روش‌های حقوقی در حل اختلافات زیست‌محیطی، موجد ضمانت حقوقی مناسب در التزام تابعین حقوق بین‌الملل جهت اجرای تعهدات زیست‌محیطی خود که هدف اساسی آن صیانت همه‌جانبه از محیط زیست جهانی است، می‌باشد. از این‌رو نقش مراجع حقوقی بین‌المللی، در تقویت ضمانت اجرای تعهدات زیست‌محیطی دولت که اغلب از نوع تعهدات عام محسوب می‌گردند، غیرقابل انکار است. این مقاله در صدد است با روش تحلیلی - توصیفی به این پرسش پاسخ دهد که «توسل به روش‌های حقوقی در حل اختلافات زیست‌محیطی چه نقشی در تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی دولت برای کاهش تخلفات محیط زیستی دارد؟» لذا با بررسی اسناد الزام‌آور موضوعی و تحلیل روش‌های حقوقی، نقش مراجع قضایی بین‌المللی در تقویت ضمانت اجرای تعهدات زیست‌محیطی و ضرورت تبیین تعامل مقررات حقوق بشری در حوزه محیط زیست و در نهایت، صیانت از محیط زیست در قبال رفتار دولت را بررسی کرده و در می‌یابیم که التزام دولت در حل اختلافات زیست‌محیطی با توسل به روش‌های حقوقی، علاوه بر توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، به ایجاد ضمانت‌های اجرایی مناسب در التزام به تعهدات بین‌المللی دولت نسبت به اجزاء محیط زیست و نسل بشر منجر می‌شود.

کلیدواژگان

تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی، حل و فصل حقوقی اختلافات بین‌المللی، رویه قضایی بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
Email: mza72695@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
Email: a.arashpour@ase.ui.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

مقدمه

از دلایل مهم بروز اختلاف‌های بین‌المللی، تضاد منافع بین دولت‌هاست و لازمه اطمینان از عدم بروز تهدید برای دولت، حل اختلاف‌ها با سایر دولت‌ها به روش‌های مسالمت‌آمیز و بدون توسل به زور است (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۸۹: ۱۵). توسل به روش‌های حقوقی در حل اختلافات بین‌المللی، افزون بر تضمین و تثبیت نتایج حاصله و الزام طرفین به اجرای آرای صادره، از یک سو ضمانت حقوقی مؤثری در اجرای تعهدات بین‌المللی دولت‌های طرف اختلاف است و از سوی دیگر، نقش توسعه‌گونه برای سایر تابعان حقوق بین‌الملل دارد. از این رو پاسخ به این پرسش که توسل به روش‌های حقوقی در حل اختلاف‌های زیست‌محیطی چه نقشی در تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی دولت برای کاهش تخلفات در این حوزه دارد؟، می‌تواند به ایجاد رویه قضایی بین‌المللی و توسعه ضمانت‌های حقوقی در اجرای تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی دولت منجر شود. از این رو فرض بر این است که توسل به روش‌های حقوقی در حل اختلافات زیست‌محیطی دولت، علاوه بر ایجاد رویه قضایی و ضمانت اجرای قوی و مستحکم حقوقی در اجرای اسناد الزام‌آور بین‌المللی، راه را برای توسعه مقررات بین‌المللی زیست‌محیطی و التزام دولت‌ها در اجرای تعهدات اولیه بین‌المللی زیست‌محیطی از یک سو و اجرای تعهدات ثانویه ذیل مسئولیت بین‌المللی از سوی دیگر، هموار می‌کند.

مبهرن است موضوعات زیست‌محیطی، به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان عامل اختلاف بین کشورها در محاکم بین‌المللی مطرح است و از این رو تعداد محاکم رسیدگی‌کننده، رو به افزایش هستند که خود ناشی از گسترش مداوم تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی است. پیچیدگی سایر رژیم‌های بین‌المللی مانند تجارت چندجانبه یا هر رفتار مبتنی بر توسعه پایدار، شواهد و مؤلفه‌هایی از پیامدهای زیست‌محیطی را با خود همراه دارند (Duncan, 2001: 3).

توجه به مسائل محیط زیستی و شناسایی اصول آن، مرهون توجه کشورها به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و ایجاد ضمانت مناسب برای تعهدات اولیه به‌جای توسل به زور در پاسخ به نقض تعهدات است. از این رو رجوع به داوری و رسیدگی قضایی، در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، نقشی بی‌بدیل و انکارناپذیر دارد (موسوی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۰).

یکی از روش‌های حل اختلافات زیست‌محیطی، توافق طرفین به تشکیل مرجع داوری یا رجوع به دادگاه برای رسیدگی به قضیه اختلافی است. اگرچه معمولاً در مرحله اول و پیش از رجوع به داوری یا دادگاه، طرفین اختلاف، به حل دوستانه اختلاف فی‌مابین با روش‌های سیاسی تشویق می‌شوند، استفاده از این سازوکار در نقض توافقی که سبب

خسارات قابل اندازه‌گیری به یک کشور شده یا در تفسیر اصول و قواعد عمومی، مناسب‌تر است (3: Duncan, 2001).

گسترش فعالیت دولت‌ها در عرصه زیست‌محیطی، به بروز اختلافات متعدد منجر می‌شود، به‌گونه‌ای که نظام‌های قضایی داخلی و بین‌المللی نمی‌توانند پاسخگوی آن باشند. دلیل عمده این ناتوانی، تخصصی بودن مسائل و موضوعات زیست‌محیطی و نبود تخصص لازم در محاکم بین‌المللی است (تئودورا آوگرینوپلو، ۲۰۰۳: ۲۱۴). با اینکه برخی محاکم بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، به جنبه‌هایی از اختلافات زیست‌محیطی پرداخته‌اند، این اختلافات چنان گسترده و پیچیده است که ساختار و اهداف محاکم مزبور، اجازه رسیدگی مؤثر و کامل به آن را نمی‌دهد، زیرا در بسیاری موارد، این محاکم از اعمال صلاحیت برای رسیدگی به قضایای زیست‌محیطی خودداری می‌کنند یا به جنبه‌های خاصی از آن می‌پردازند. از این رو بهترین راه حل، تأسیس دیوان بین‌المللی خاص با صلاحیت رسیدگی به اختلافات زیست‌محیطی است (تئودورا آوگرینوپلو، ۲۰۰۳: ۲۱۶).

رجوع به داوری و رسیدگی قضایی به منظور حل اختلاف زیست‌محیطی، براساس استناد به قاعده مسئولیت بین‌المللی دولت در برابر رفتار متخلفانه و نقض تعهدات زیست‌محیطی است. از این رو از جمله تأسیسات حقوقی که نقش مؤثری در ضمانت اجرای تعهدات اولیه زیست‌محیطی دولت دارد و همچنین به عنوان قاعده ثانویه در زمان بروز اختلافات بین دولت‌ها حاکم می‌شود، استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت، در قبال رفتار متخلفانه بین‌المللی او، در پی توسل به روش‌های حقوقی حل و فصل اختلافات است (ابراهیم گل، ۱۳۸۸: ۱۹).

ماهیت روش‌های حقوقی حل اختلافات بین‌المللی

یان برونلی^۱ اختلاف بین‌المللی را مناقشاتی رسمی می‌داند که به‌عنوان اختلاف نظر در قضایای حقوقی یا یک واقعیت و تعارض در دیدگاه قانونی یا منافع بین اشخاص حقوقی مطرح است (Brownlie, 1995: 261-262). حقوق بین‌الملل همواره روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات را ارائه می‌کند، به‌گونه‌ای که جایگزین روش دیگر نبوده و روند اصلی حل اختلاف است. هنگام مواجهه با مقررات یا حفاظت از محیط زیست، توسل به زور عملاً بی‌معناست (Brownlie, 1998: 23).

1. Ian Brownlie, Professor of Public International Law, Oxford University

دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ در خصوص ماهیت یک اختلاف بین‌المللی، در نظریه مشورتی ۲۶ آوریل ۱۹۸۸، تعریفی را که قبلاً دیوان دائمی دادگستری از اختلاف بین‌المللی ارائه داده است، تأیید کرد که مطابق آن، اختلاف یا مناقشه بین‌المللی به منزله همسو نبودن رأی دو موجودیت بین‌المللی در موضوع حقی یا وقوع امری و تضاد نظر حقوقی و منافع آن دو است (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۹۴: ۱۹).

در رویه قضایی و دکترین حقوق بین‌الملل، اولاً هر عدم توافقی، یک اختلاف نیست، بلکه عدم توافق باید منطبق با تعریف دیوان باشد؛ ثانیاً وجود اختلاف باید احراز شود و صرف اصرار یا انکار برای اثبات وجود اختلاف کافی نیست. از این رو اختلاف زیست‌محیطی باید واجد دو مشخصه باشد: ۱. معین و مشخص باشد و تبیین شود، به گونه‌ای که بتوان گفت اختلاف در مورد چیست؟ ۲. وجود یک ادعای معارض، به این معنا که یک طرف مطالبه حق و ادعایی را مطرح کرده و طرف دیگر مخالفت خود را با آن ابراز می‌کند (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۹۴: ۲۰).

اختلافات زیست‌محیطی به دلیل ماهیت محیط زیست، وجوه تمایز متعددی با سایر اختلافات بین‌المللی دارد که برخی شامل موارد زیر است: ۱. ذی‌نفع واقعی، محیط زیست به‌عنوان موجودیتی مستقل از دولت که محصور در قلمرو سرزمینی نمی‌شود، است؛ ۲. محیط زیست ارتباط مستقیم انکارناپذیری با حیات بشر دارد؛ ۳. محیط زیست در تمامی طرح‌های توسعه‌ای ملی و فراملی، نقشی بارز دارد و جزو لاینفک سیاستگذاری‌های دولت‌هاست؛ ۴. آسیب به محیط زیست اصولاً تأثیرات فراسرزمینی دارد و به سایر کشورها نیز آسیب وارد کرده و آنها را درگیر موضوع می‌کند. وجود تضاد منافع بین دولت‌ها، بروز اختلاف را به دلیل ضعف ضمانت اجرای تعهدات، اجتناب‌ناپذیر کرده است و حقوق بین‌الملل تلاش دارد قواعد ثانویه ناظر بر زیست‌مسالمت‌آمیز و حل اختلافات بین‌المللی را با در نظر گرفتن اصل استقلال و برابری حاکمیت دولت‌ها تنظیم کند (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۸۹: ۱۶).

با ارجاع اختلافات زیست‌محیطی به مراجع صالح قضایی، این مراجع ضمن حل اختلاف و جلوگیری از وخامت اوضاع، از نقشی مکمل و اعلامی-توسعه‌ای، در شناسایی اصول مهم زیست‌محیطی برخوردارند (موسوی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱). از این رو بیان برونلی، استفاده از روش‌های حقوقی حل اختلافات بین دولت‌ها، در دوره منشور ملل متحد را تنها ابزار موجود می‌داند (Brownlie, 1998: 703). البته در خصوص نقض برخی اصول بنیادین زیست‌محیطی مانند اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین یا اصل آلوده‌کننده-پرداخت‌کننده، که از تعهدات عام حقوق بین‌الملل هستند، با توجه به مسئولیت محض بین‌المللی در این حوزه در برابر اعمال

منع نشده، فارغ از روش حل اختلاف، جبران خسارت جزو لاینفک آثار نقض این تعهدات است (کوروکولاسوریا و رایبسون، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۵). افزون بر این عوامل رافع وصف متخلفانه از رفتار دولت که در پیش‌نویس ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت بیان شده‌اند (ابراهیم‌گل، ۱۳۸۸: ۱۲۸)، نمی‌توانند مستمسک وصف عدم تخلف قرار گیرند، چراکه عوامل موردنظر ذیل تعهدات مبتنی بر رضایت بوده و اصولاً معطوف به رفتارهای منع شده دولت هستند، درحالی‌که تعهدات زیست‌محیطی اغلب در زمره اعمال مجازند، با ماهیت عام‌الشمولی، ریشه در عرف و حقوق طبیعی دارند. از این رو اختلافات ناشی از نقض تعهدات زیست‌محیطی، نتیجه رفتار زیانبار دولت است و چه بسا نقض تعهدات جاری نباشد و رفتار مجاز و منع نشده، موجب بروز اختلافی بین‌المللی شود. منشأ چنین مسئولیتی در قاعده رومی «از اموال به گونه‌ای استفاده کن که باعث صدمه به دیگری نشود»، است که موجب محدودیت برای اشخاص حقوق عمومی و در رأس آن دولت، در بهره‌برداری از منابع طبیعی و اعمال حاکمیت بر قلمرو سرزمینی است (آرش‌پور، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۵).

در همین زمینه ایجاد شعب حل اختلاف در مراجع قضایی بین‌المللی از روش‌های رسیدگی تخصصی حقوقی در حل این‌گونه اختلافات است. برای مثال، دیوان بین‌المللی دادگستری، در ژوئیه ۱۹۹۳، شعبه تخصصی زیست‌محیطی را تأسیس کرد که با عدم استقبال دولت‌ها، هیچ اختلاف زیست‌محیطی به این شعبه ارجاع نشد (Duncan, 2001: 4). تأسیس دادگاه‌های ویژه زیست‌محیطی در حقوق ملی نیز نمونه دیگر است. در سال ۱۹۸۹ اولین پیشنهاد جدی برای تأسیس یک دادگاه تخصصی زیست‌محیطی در انگلستان و ولز داده شد که به تأسیس آن در سال ۲۰۱۰ انجامید (Macrory, 2013: 372).

مک‌آوزلان^۱، به عنوان اقتصاددان، نقش دادگاه تخصصی زیست‌محیطی را در مدیریت محیط زیست بسیار کارآمد دانسته و ایجاد چنین دادگاهی با اختیارات گسترده تصمیم‌گیری و نظارتی را برای توسعه اصولی و تخصصی سیستم‌های مدیریت زیست‌محیطی که به رویه بین‌المللی محیط زیست^۲ کمک می‌کند، ضروری می‌داند. در همین زمینه مطالعات علمی متعددی در سوئد، نیوزیلند و استرالیا انجام گرفت که مؤید توجه دولت‌ها در توسل به روش‌های حقوقی برای حل اختلافات زیست‌محیطی است (Macrory, 2013: 374-375).

رویکرد اسناد بین‌المللی به روش‌های حقوقی در حل اختلافات زیست‌محیطی

اساساً و در رویه‌ای معمول، اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا، رویکرد حقوقی برای حل اختلاف اعضا

1. Patrick McAuslan

2 International Environmental Jurisprudence

را تبیین و تأکید کرده‌اند. استحکام، ثبات، الزام‌آور بودن، ضمانت اجرای تعهدات اولیه و ثانویه و کمک به رشد و توسعه حقوق بین‌الملل به‌ویژه در موضوع محیط زیست و مسئولیت بین‌المللی، از خواص آرای حقوقی است. برای مثال، بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، به صراحت صلاحیت دیوان برای رسیدگی به کلیه اموری را که طرفین اختلاف به دیوان ارجاع می‌دهند، بیان می‌کند و مطابق مواد ۲۶ و ۲۹ اساسنامه، دیوان واجد صلاحیت برای تشکیل شعب اختصاصی در موضوعات زیست‌محیطی است (STATUTE OF THE INTERNATIONAL COURT OF JUSTICE, Articles: 26, 29, 36). با این حال دولت‌ها ترجیح می‌دهند در اختلافات زیست‌محیطی به دلیل سهل‌الوصول بودن، الزام‌آور نبودن نتایج و تأثیر مستقیم در ترکیب هیأت رفع اختلاف، به سمت استفاده از روش‌های سیاسی و داوری بروند و به شعبه تخصصی دیوان رجوع نکنند. همچنین ضرورت تأسیس دادگاهی مستقل به‌عنوان دیوان بین‌المللی زیست‌محیطی احساس می‌شود و این مهم توسط اندیشمندان حقوق بین‌الملل به‌دفعات، تبیین و بیان شده است. اگرچه در این مسیر، موانعی چون ۱. وجود دیوان بین‌المللی دادگستری و شعبه زیست‌محیطی آن و ۲. عدم اطمینان در تشخیص دقیق اختلاف زیست‌محیطی، مانع از تأسیس چنین دادگاه مستقلی شده‌اند. از این حیث، دولت‌ها ترجیح می‌دهند روش‌های سیاسی را دنبال کرده و اطمینان حاصل کنند که در عمل به مقررات و قواعد زیست‌محیطی، به‌طور کامل، ابعاد آن رعایت شود تا با هدف بازدارندگی، مانع از آسیب به محیط زیست شوند (Duncan, 2001: 12).

کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته‌گوبی، اگرچه عهدنامه‌ای زیست‌محیط نیست، ولی شامل قوانین نظارتی و بازدارنده زیست‌محیطی در دریاهاست و بر جلوگیری از آلودگی آن، تأکید دارد و در حال حاضر مستحکم‌ترین سند زیست‌محیطی در دریاهای تلقی می‌شود (جلالی، ۱۳۸۸: ۶۷). با وجود استحکام قواعد حقوق دریاهای در موضوع محیط زیست دریایی و موجودیت دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای^۱ به‌عنوان رکن قضایی کنوانسیون (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۶: ۹۲۳)، به دلایل سیاسی و توافقات خارج از کنوانسیون، به‌منظور عدم ارجاع اختلاف به دیوان، دیوان مزبور با کارکرد محدود زیست‌محیطی مواجه می‌شود و نقش توسعه‌ای آن در موضوع محیط زیست دریایی با کاستی روبه‌رو خواهد شد. فارغ از اینکه احیاناً دولت‌ها در اقدامات نظارتی و اعمال صلاحیت خود در مناطق دریایی، با جدیت رفتار نمی‌کنند. با این حال، ماده ۲۷۹ کنوانسیون، بر حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین اعضا تأکید داشته و در ماده ۲۸۲ نیز طرفین مخیر شده‌اند تا مطابق با توافق عمومی قبلی، برای حل اختلاف که حاوی رأی الزام‌آور باشد، به روش دیگر متوسل شوند. همچنین اعضای

کنوانسیون مجازند طبق ماده ۲۸۷، در زمان تصویب، الحاق یا هر زمان دیگر، با صدور بیانیه کتبی روش‌های ۱. ارجاع به دیوان بین‌المللی حقوق دریا، ۲. ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری و ۳. ارجاع به دیوان داوری را برای حل اختلافات خود از جمله در موضوعات زیست‌محیطی کنوانسیون انتخاب کنند (پورنوری، ۱۳۸۶: ۱۹۴ و ۱۹۷).

متأسفانه اسناد الزام‌آور زیست‌محیطی، در بروز اختلاف بین اعضا، گام اول را به‌کارگیری روش‌های سیاسی معرفی کرده و در صورت عدم حصول نتیجه، توسل به روش‌های حقوقی را پیش‌بینی کرده‌اند. این دیدگاه را می‌توان در بند ۱ ماده ۱۶ پروتکل ۱۹۹۶ الحاقی به کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریایی ۱۹۷۲ نیز مشاهده کرد که به مذاکره، میانجی‌گری و سازش، تصریح دارد و در بند ۲، بر توسل به داوری در صورت عدم حل اختلاف ظرف ۱۲ ماه یا اعمال ماده ۲۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تأکید می‌کند.^۱ در همین زمینه کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات آب‌وهوایی^۲ نیز در ماده ۱۴، استانداردهای خود در حل اختلاف اعضا را که شبیه مقررات کنوانسیون وین ۱۹۸۵ و پروتکل مونترال ۱۹۸۷ است، بیان می‌کند.^۳ مطابق این ماده، در زمان اختلاف بین اعضا در خصوص اجرا یا تفسیر مفاد کنوانسیون، ذی‌نفع‌ها باید اختلاف خود را حل و فصل کنند و در شرایط خاص، توسل به روش‌های داوری یا قضایی پذیرفته شده است (کوروکولاسوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۳۰۸).

سند تأسیس یک سازمان بین‌المللی، از جمله اسناد حقوقی است که در حل اختلافات زیست‌محیطی، قواعد لازم را برای اعضا، به‌صورت سازوکارهای درون‌سازمانی و از طریق رکن قضایی سازمان، تدوین کرده است؛ مثل رسیدگی به اختلافات زیست‌محیطی اعضای گات^۴ و سازمان تجارت جهانی^۵ توسط رکن حل اختلاف (Duncan, 2001: 7). از دیگر مصادیق ضرورت حل اختلاف زیست‌محیطی در مراجع قضایی، ارجاع اختلاف آرژانتین و اروگوئه در نقض تعهدات اساسنامه رودخانه اروگوئه به دیوان بین‌المللی دادگستری است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۸۱ و ۸۲) که افزون بر حل یک اختلاف زیست‌محیطی، مفاهیم مهمی از حقوق بین‌الملل مانند اقدامات موقتی قضایی، اصل ضرورت و... تبیین و تفسیر شده است.^۶ نمونه دیگر، ماده ۱۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص ارزیابی اثرات

1. 1996 PROTOCOL TO THE CONVENTION ON THE PREVENTION OF MARINE POLLUTION BY DUMPING OF WASTES AND OTHER MATTER, 1972 Article:16
2. United Nation Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), New York-1992
3. The Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 2001 (UNEP) & The Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer, 1987
4. GATT
5. WTO

۶. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۴۹-۱۳۱.

زیست‌محیطی فرامرزی ۱۹۹۱ است که در بند ۲ صراحت دارد که اگر طرفین اختلاف، با روش‌های سیاسی اختلاف خود را حل نکنند، می‌توانند به روش‌های حقوقی زیر به صورت اجباری برای حل اختلاف رجوع کنند: ۱. ارسال اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲. داوری، قواعد مندرج در پیوست هفتم. بند ۳ تأکید دارد در صورتی که طرفین اختلاف هر دو روش بند ۲ را بپذیرند، اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داده خواهد شد، مگر توافق دیگری کنند (Craik, 2008: 302)، البته رویه‌سازی متمرکز در چارچوب مقررات بین‌المللی، استفاده از فرایندهای حل اختلافات زیست‌محیطی و توسل به مراجع قضایی را به سمت شکل‌گیری سیاست‌های اجرایی تغییر خواهد داد تا رجوع به مراجع قضایی برای حل اختلاف زیست‌محیطی مورد نیاز نباشد (Craik, 2008: 272).

بررسی ظرفیت حقوق بین‌الملل و ضرورت ارجاع اختلافات زیست‌محیطی به رسیدگی حقوقی

حقوق بین‌الملل از ظرفیت‌های مختلفی در استفاده از ابزار و روش‌های متنوع برای حل مسألت‌آمیز اختلافات بین‌المللی برخوردار است که در دسته‌بندی کلی به دو نوع اصلی: الف) روش‌های سیاسی و ب) روش‌های حقوقی، تقسیم می‌شوند (صلح‌چی و نژندی منش، ۱۳۹۳: ۵۱). از آنجا که ضمانت اجرای نتایج حاصل از روش‌های سیاسی، معطوف به اصول اخلاقی مانند «حسن نیت» و «وفای به عهد» بوده و از قابلیت اتکا و اطمینان‌بخشی لازم برخوردار نیستند، از این رو توسل به روش‌های حقوقی که اجرای آرای آن با ضمانت حقوقی همراه است، ارجح است. از سوی دیگر، نتایج اجرای روش‌های حقوقی در حل اختلافات بین‌المللی، ضمن ایجاد رویه قضایی، به توسعه حقوق بین‌الملل در موضوع مربوطه منجر می‌شود. رجوع به روش‌های حقوقی مبتنی بر اراده و رضایت طرفین است، اما استثنائاً و به صراحت بند ۲ ماده ۳۳ منشور ملل متحد، در صورتی که ادامه اختلاف به تهدید صلح و امنیت بین‌الملل منجر شود، شورای امنیت، طرفین را ملزم به اتخاذ روش‌های ماده ۳۳ و از جمله رجوع به داوری و رسیدگی قضایی خواهد کرد (کمالان، ۱۳۸۸: ۵۱).

از دلایل مهم حقوقی برای فهم ضرورت ارجاع اختلافات زیست‌محیطی به مراجع حقوقی بین‌المللی به ویژه قضایی، شناسایی و تثبیت بسیاری از اصول اساسی و بنیادین حقوق محیط زیست از یک سو و از سوی دیگر، ایجاد رویه قضایی بین‌الملل و کمک به رشد و توسعه مبانی و مفاهیم زیست‌محیطی است. در قضیه تریل اسملتر (۱۹۴۱)^۲ دیوان

1. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context, Espoo-1991

2. Trail smelter case (United States, Canada), 16 April 1938 and 11 March 1941

داوری در رأی خود برای اولین اختلاف بین‌المللی زیست‌محیطی، بر اصل «استفاده غیرزیانبار از سرزمین» تأکید دارد و ضمن وارد کردن این اصل به رویه قضایی، آن را شناسایی کرد. در همین زمینه، اقدامات قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر^۱ در خصوص برخی اختلافات زیست‌محیطی اشخاص حقیقی با دولت‌های متبوع، برجسته و قابل ذکر است. با اینکه صلاحیت مصرح دیوان، رسیدگی به نقض آزادی‌ها و حقوق فردی شهروندان است، پس از کنفرانس استکهلم و صدور اعلامیه^۲ ۱۹۷۲، دیوان، ضمن تفسیر موسع اساسنامه، خود را نسبت به رسیدگی به اختلافات زیست‌محیطی اشخاص در برابر دولت‌های متبوع، صالح دانسته و به دعاوی مربوطه پس از طی مراحل حقوق داخلی و عدم نتیجه‌گیری مناسب، رسیدگی قضایی می‌کند و با پذیرش ارتباط محیط زیست با حقوق بشر، رسیدگی به اختلافات زیست‌محیطی اشخاص با دولت‌های عضو را در چارچوب مقررات حقوق بشری کنوانسیون، از وظایف خود می‌داند (Mensah, 2002).

در این زمینه دیوان اروپایی به قضایای متعددی رسیدگی کرده که مبتنی بر تفسیر موسع تعامل محیط زیست و حقوق بشر است و دستاوردی جدید در رویه قضایی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. از جمله در قضایای ۱. پاول و راینر^۳، در موضوع آلودگی صوتی، ۲. زاندر^۴، در موضوع آلودگی آب ناشی از نحوه دفع پسماندهای صنعتی و خانگی، ۳. گرا و دیگران^۵، در موضوع آلودگی ناشی از فعالیت کارخانه شیمیایی و ۴. لوپز‌استرا^۶، در موضوع آلودگی محیطی ناشی از پسماند کارخانه‌های چرم (امین منصور، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۱).

از دیگر دلایل مهم برای توسل به مراجع حقوقی و به‌ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری، در رسیدگی به اختلافات زیست‌محیطی، تأثیرات علمی و توسعه‌گرایانه صدور نظریات مستقل و حقوقی قضات به‌عنوان ضمیمه آرای دیوان، است. برای مثال نظریات قضات در قضیه کارخانه کاغذسازی (آرژانتین علیه اروگوئه، ۲۰۰۶) در خصوص «اصل ضرورت» و «اصل قابلیت استماع درخواست اقدامات موقتی» را می‌توان ذکر کرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۶) یا در قضیه گابچیکوو-ناگیمارس، قضات دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن توجه به اصول زیست‌محیطی و توسعه‌هنجارهای جدید در حقوق بین‌الملل محیط زیست، برخی از تأسیسات مهم حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق معاهدات (معاهده ۱۹۷۷ بین طرفین)، جانشینی دولت‌ها (تجزیه چکسلواکی و طرفیت اسلواکی در معاهده ۱۹۷۷)، اصل ضرورت و در نظر گرفتن منافع اساسی دولت (در

1. European Court on Human Rights-ECHR
 2. Powel & Rayner Cas
 3. Zander Case
 4. Guerra & Others Case
 5. Lopez Ostra Case

اختتام معاهده)، تغییر اساسی اوضاع و احوال (که به خدشه دار شدن اصل رضایت منجر می‌شود) و مسئولیت بین‌المللی دولت را مورد توجه قرار می‌دهند و در خصوص آنها بحث می‌کنند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۴۲۹-۴۲۳).

این رفتار دیوان و نظریات مستقل قضات، که طی آن تأسیسات حقوقی را منطبق با اوضاع و احوال جدید، تحلیل و تفسیر می‌کند، به حرکت پویا در مبانی و مفاهیم عام و قراردادی حقوق بین‌الملل در طول زمان منجر می‌شود و راه را برای ایجاد قواعد متناسب و تفاسیر ضمنی و موسع از قواعد موجود باز می‌کند.^۱ در چارچوب این آراء، جنبه عام‌الشمولی برخی اصول زیست‌محیطی مورد تأکید قرار می‌گیرد و این اصول، از مقررات قراردادی منفک می‌شوند. افزون بر این رسیدگی حقوقی به اختلافات زیست‌محیطی و صدور آرای قضایی، به دلیل جایگاه ویژه این مراجع در حقوق بین‌الملل، موجب توسعه ارتقای ماهیت حقوقی اصول بین‌المللی زیست‌محیطی و تکمیل قواعد و مقررات موضوعی در این حوزه می‌شود (موسوی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱).

از دیگر آثار رسیدگی حقوقی به اختلافات زیست‌محیطی، برقراری تعامل تأثیرگذار حقوق زیست‌محیطی نسل کنونی با حقوق نسل‌های آینده در زمینه داشتن محیط زیست سالم و ضرورت ترمیم و اصلاح رفتار ملی و بین‌المللی دولت‌ها در قبال محیط زیست و منابع طبیعی خود و بین‌الملل است. برای نمونه، در قضیه قلمرو ماهیگیری انگلیس و ایرلند شمالی علیه ایسلند در ۱۹۷۴، دیوان بین‌المللی دادگستری به مسئله میراث مشترک بشریت و حقوق نسل‌های آینده تکیه کرد و دولت‌ها را موظف به رعایت حقوق نسل‌های آینده در رفتار با منابع طبیعی و محیط زیست دانست (ICJ Rep, 1974: 1 & 3). در همین زمینه قضیه آپوزا^۲ از مشهورترین آرای قضایی در حقوق ملی است که در ارتباط با حقوق نسل‌های آینده نسبت به محیط زیست محسوب شده و طی آن به شکایت گروهی از کودکان فیلیپین علیه سازمان محیط زیست و منابع طبیعی فیلیپین در سال ۱۹۹۳ رسیدگی شد. در این پرونده، دیوان عالی فیلیپین ضمن پذیرش شکایت کودکان به‌عنوان نسل کنونی و از طرف نسل‌های آینده، در رأی صادره، مسئولیت‌پذیری نسل کنونی در قبال نسل‌های آینده را مورد توجه قرار داد و با بیان اینکه هر نسلی برای حفظ توازن و هماهنگی لازم به‌منظور استفاده کامل از محیط زیست سالم و متعادل، مسئول است، حقوق زیست‌محیطی نسل کنونی را به حقوق نسل‌های آینده در خصوص محیط زیست سالم گره زد (کوروکولاسوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۳). صدور این رأی، به‌عنوان رویه قضایی در حقوق داخلی و همچنین آرای مشابه دادگاه اروپایی حقوق بشر، می‌تواند منشأ اتخاذ رویه مشابه در سایر مراجع حقوق ملی و منطقه‌ای بوده و مشوق

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۴۳-۴۱۶.

2. Minors Oposa (Philippines-Oposa et.v.Fulgencio S Factoran, Jr.et GR. No.101083)

دولت‌ها در انعقاد توافق‌نامه‌های بین‌المللی با هدف شناسایی اصول عام زیست‌محیطی در حقوق داخلی و اجرای اقدامات بازدارنده در رفتار خود نسبت به محیط زیست قلمرو سرزمینی باشد. از سوی دیگر، می‌توان امیدوار بود که رویه قضات مراجع قضایی ملی و منطقه‌ای، به تحول دکترین حقوق بین‌المللی و اتخاذ رویه قضایی مناسب در خصوص تخلفات زیست‌محیطی، منجر شود. کما اینکه در خصوص «اصل استفاده غیر زیانبار» تأیید و شناسایی آن توسط قضات دیوان داوری در قضیه تریل اسملتر (۱۹۴۱)، برگرفته از حقوق داخلی ایالات متحده، به رویه قضایی بین‌المللی وارد شده است.

مراجع قضایی بین‌المللی در اختلافات دیگر مانند قضیه جان ماین، اختلاف بین دانمارک و نروژ (۱۹۹۳) در تعیین حدود دریایی، قضیه تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای (۱۹۹۶) و قضیه گابچیکو-ناگیماروس (۱۹۹۷) به حقوق زیست‌محیطی نسل‌های آینده توجه کرده‌اند، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد موضوع توجه به حقوق زیست محیط نسل‌های آینده در رویه قضایی بین‌المللی وارد و تثبیت شده است (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۱-۱۷۰).

تحقق بسیاری از حقوق بنیادین بشر مانند حق حیات و حق داشتن محیط زیست سالم که در ارتباط با محیط زیست تعریف می‌شوند و در گرو حفاظت از محیط زیست به‌عنوان میراث مشترک بشریت هستند، نه تنها به عنوان تدبیر، بلکه تکلیف و مسئولیت خطیری است که با توسعه رویه قضایی و تدوین قواعد بازدارنده زیست‌محیطی از سوی جامعه بین‌الملل برای حفظ ارزش‌ها و هنجارهای زیست‌محیطی، به همراه تأسیس دادگاه‌های منطقه‌ای زیست‌محیطی، ممکن خواهند شد. بدیهی است تدوین و توسعه مقررات بازدارنده اعم از کیفری و مدنی، به ایجاد ضمانت لازم برای اجرای مناسب اقدامات پیشگیرانه در صیانت از محیط زیست و اجرای مؤثر مقررات حقوق محیط زیست منجر خواهد شد (نجفی و جلالیان، ۱۳۹۱: ۲۱۱-۲۱۰).

از آنجا که اختلافات زیست‌محیطی، گستره وسیعی از پیامدهای ملی و بین‌المللی را به همراه دارند، حمایت از قواعد زیست‌محیطی توسط دولت‌ها، به‌ویژه در خصوص موضوعات حقوق بشری، می‌تواند از طریق تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری زیست‌محیطی (منطقه‌ای یا جهانی) و ارجاع جنبه‌های جرم‌انگاری شده تخلفات زیست‌محیطی به آن، حاصل شود. تأسیس یک نهاد بین‌المللی قضایی به‌منظور حل اختلافات زیست‌محیطی و با هدف تمرکز بخشیدن بر نظارت در اجرای تعهدات و رفتار محیط زیستی دولت، که از حیث منابع علمی، فنی و اداری دارای ویژگی‌هایی منطبق با مسائل زیست‌محیطی باشد، ضروری است (نجفی و جلالیان، ۱۳۹۱: ۲۱۱ و ۲۱۵). از این رو ضرورت حفظ منافع جهانی ایجاب می‌کند در خصوص جنبه‌های کیفری زیست‌محیطی، به ارتباط محیط زیست با جنبه‌های مختلف

حقوق بشر توجه شود، اگرچه دیوان بین‌المللی کیفری در اساسنامه خود به جرائم زیست‌محیطی اشاره صریح ندارد، در چارچوب مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان، می‌توان جرائم زیست‌محیطی را تحت عنوان جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی، مطرح کرد (جلالی، ۱۳۸۸: ۶۷). البته تأسیس چنین دادگاهی، نیازمند متقاعد کردن دولت‌ها در خصوص دو نکته کلیدی است: ۱. اقناع دولت‌ها مبنی بر اینکه دادگاه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجود، قادر به حل اختلافات بین‌المللی محیط زیستی نیستند؛ ۲. تفهیم اینکه نه تنها کمیت و ماهیت دادگاه‌های موجود برای حل اختلافات زیست‌محیطی کفایت نمی‌کنند، بلکه نمی‌توانند عملکرد مؤثر و مورد قبول دولت‌ها را داشته باشند و تأسیس دادگاه اختصاصی، می‌تواند این کمبود را برطرف کند (جلالی، ۱۳۸۸: ۶۵). از این‌رو با توجه به اهمیت محیط زیست، مشاهده می‌کنیم در ژوئیه ۱۹۹۳، دیوان بین‌المللی دادگستری، شعبه‌ای اختصاصی را برای حل اختلافات زیست‌محیطی ایجاد کرد، اگرچه با استقبال کشورها روبه‌رو نشد (جلالی، ۱۳۸۸: ۶۶). یکی از نکات حائز اهمیت در خصوص دادگاه‌های تخصصی زیست‌محیطی اعم از مدنی یا کیفری، توجه به حقوق انسان در برخورداری از محیط سالم است، موضوعی که در دهه‌های اخیر مطرح شده و به‌عنوان یک حق اصیل به آن توجه می‌شود (Bosselmann, 2005: 2).

در حل اختلافات زیست‌محیطی، اتخاذ تمهیدات لازم برای جلوگیری از بروز اختلاف، از مراحل مهم صیانت از محیط زیست است. توجه به موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم پیشگیری و ضمانت اجرای تعهدات بین‌المللی دولت، مکملی ضروری برای تضمین پایبندی دولت به تعهدات زیست‌محیطی است تا ضمن پیشگیری از ورود آسیب به محیط زیست، مانع از بروز اختلافات بین‌المللی در این حوزه شود، در غیر این صورت، هزینه‌های تجدید و بهبود وضعیت محیط زیست آسیب‌دیده و خسارات وارده به دولت زیان‌دیده، جبران شود. از این‌رو قواعد مربوط به حل اختلافات در تعامل و ارتباط نزدیک با مسئولیت بین‌المللی در نقض تعهدات زیست‌محیطی است و رژیم مسئولیت، اهدافی مانند ۱. به‌عنوان ابزاری اقتصادی (به معنای پرهیز از پرداخت هزینه‌های سنگین جبران خسارت توسط متخلف) مشوق‌هایی را برای التزام به تعهدات زیست‌محیطی و پیشگیری از ایجاد خسارت فراهم کند؛ ۲. به‌عنوان ابزاری تنبیهی در برابر عمل متخلفانه و مجرمانه دولت تلقی می‌شود را دنبال می‌کند (کوروکولاسوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

نتیجه‌گیری

تضاد منافع بین دولت‌ها و استقلال در حاکمیت ملی بر منابع طبیعی و اقدامات توسعه‌ای به‌ویژه در بعد اقتصادی، به بروز اختلافات بین‌المللی از جمله در موضوعات زیست‌محیطی منجر می‌شود. از این رو حقوق بین‌الملل محیط زیست، ضمن تأکید بر عدم توسل به زور، تأمین منافع متقابل دولت‌ها و جامعه بین‌الملل را در گرو حل مسالمت‌آمیز اختلافات زیست‌محیطی دانسته و با توجه به نتایج مترتب بر روش‌های حقوقی در حل اختلافات زیست‌محیطی از جمله تثبیت اصول بنیادین حقوق محیط زیست از حیث عام‌الشمولی، ایجاد رویه قضایی بین‌المللی و کمک به رشد و توسعه مبانی حقوق محیط زیست، به کارگیری آن را برای حل اختلاف زیست‌محیطی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی توصیه می‌کند.

در پرتو استفاده از روش‌های حقوقی در اختلافات زیست‌محیطی، آرای صادره و به‌ویژه نظرهای اختصاصی قضات بین‌المللی، ضمن ایجاد ثبات حقوقی برای اصول زیست‌محیطی، به تبیین و تفسیر برخی قواعد حقوق بین‌الملل عمومی از جمله در موضوع جانمایی دولت، معاهدات دو و چندجانبه، اقدامات موقتی و امثالهم منجر می‌شود که تأثیر توسعه‌گونه‌ای در پویایی قواعد حقوقی موجود دارد، همچنین تأثیر غیرمستقیمی بر تقویت ضمانت اجرای سایر تعهدات بین‌المللی دارد.

از دیگر آثار مهم رسیدگی حقوقی به اختلافات زیست‌محیطی، برقراری تعامل انسان با محیط زیست در قالب حقوق بشر و ملزومات زیست‌محیطی در روند رسیدگی قضایی است. مطابق رویه قضایی ملی و بین‌المللی، اشخاص حقیقی صلاحیت اقامه دعوا علیه دولت‌ها در مراجع بین‌المللی در خصوص تخلفات زیست‌محیطی دولت را دارند که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و برخی مراجع قضایی ملی مشاهده کرد. در همین زمینه، تفسیر موسع از مفاد اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و اساسنامه دیوان اروپایی حقوق بشر، مؤید اهتمام حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق زیستی اشخاص حقیقی و دفاع از آن در برابر رفتار متخلفانه دولت‌ها در قبال اجزای محیط زیست است. از این رو در تخلفات زیست‌محیطی، استناد به مسئولیت مدنی دولت‌ها در قبال یکدیگر و در قبال اشخاص حقیقی از یک سو و از سوی دیگر، استناد به مسئولیت کیفری متخلفان زیست‌محیطی، می‌تواند ضمانت اجرای مؤثر تعهدات محیط زیستی در عرصه ملی و بین‌المللی باشد. در همین زمینه: ۱. تأسیس دادگاه‌های تخصصی زیست‌محیطی در عرصه بین‌المللی به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم حقوقدانان بین‌المللی در حمایت از محیط زیست، به شدت مطرح شده است. نمونه آن را در اقدام دیوان بین‌المللی دادگستری و تأسیس شعبه تخصصی زیست‌محیط در دیوان مشاهده می‌کنیم تا به استناد مسئولیت

مدنی دولت، ضمن برخورداری از قضاات متخصص، به اختلافات مربوطه با سرعت، دقت و عدالت بیشتری رسیدگی کنند؛ ۲. تقویت رویه قضایی بین‌المللی در ابعاد کیفری و برخورد با جرائم زیست‌محیطی توسط برخی مراجع قضایی بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه اروپایی حقوق بشر، با تفسیر موسع و ضمنی از اساسنامه، به صورت بالفعل نمایان شده است؛ ۳. مبانی کیفری در حقوق داخلی برخی کشورها که قضایای مهم زیست‌محیطی را با شعاع اثرگذاری بین‌المللی رسیدگی کرده‌اند، تقویت شده است، تا در مجموع، ضمن افزایش هزینه تخلفات زیست‌محیطی، با اقدامات متعدد بازدارنده همزمان بتوانند در صیانت از محیط زیست برای نسل کنونی و نسل‌های آینده مؤثر واقع شوند. از این رو از دیگر آثار حقوقی مهم در ارجاع اختلافات زیست‌محیطی به مراجع قضایی بین‌المللی و ملی، تبیین و تثبیت حقوق نسل‌های آینده در پرتو قواعد بازدارنده به منظور برخورداری از محیط زیست سالم است. آرای صادره از مراجع قضایی بین‌المللی و بعضاً ملی، به تلقی حقوقی محیط زیست برای نسل‌های آینده، به عنوان میراث مشترک بشریت منجر می‌شود. اگرچه برخی متفکران حقوق بین‌الملل محیط زیست معتقدند که رویه‌سازی متمرکز در چارچوب قوانین ملی و بین‌المللی، استفاده از فرایندهای حل اختلافات زیست‌محیطی و توسل به مراجع قضایی را به سمت شکل‌گیری سیاست‌های اجرایی بازدارنده تغییر می‌دهد، به گونه‌ای که رجوع به مراجع قضایی برای حل اختلاف زیست‌محیطی مورد نیاز نباشد.

به نظر می‌رسد توسل به روش‌های حقوقی به‌ویژه رسیدگی قضایی و استناد به مسئولیت دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی، نتایج مهمی در صیانت پایدار از محیط زیست که در برابری نهایی، به برخورداری نسل بشریت از محیط زیست سالم منجر می‌شود، در پی دارد. برخی از این نتایج مهم و ملموس عبارت‌اند از: ۱. ایجاد ضمانت اجرای قوی و مستحکم حقوقی در قبال نقض تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی دولت؛ این ضمانت به اجرای تعهدات اولیه قبل از اختلاف و تعهدات ثانویه بعد از ایجاد مسئولیت بین‌المللی در قالب اجرای آرای صادره، تعمیم داده شود. افزون بر این نتایج حاصله حقوقی می‌تواند راه را برای تأسیس اسناد بعدی که نقض تعهدات دولت در حوزه زیست‌محیطی را با مسئولیت‌های سنگین‌تری همراه خواهد ساخت، هموار کند؛ ۲. شناسایی و تثبیت برخی مقررات زیست‌محیطی به‌عنوان تعهدات عام حقوق بین‌الملل؛ ۳. ایجاد رویه قضایی بین‌المللی در حوزه محیط زیست ملی و بین‌المللی؛ ۴. افزایش ریسک تخلفات زیست‌محیطی دولت و افزایش ضریب بازدارندگی؛ ۵. کمک به رشد و توسعه علمی در حوزه مبانی و اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست؛ ۶. تثبیت و تضمین حقوق زیست‌محیطی نسل‌های آینده؛ ۷. تدوین سیاست‌های ملی در راستای نظارت بیشتر بر

رفتار زیست‌محیطی دولت به منظور کاهش تخلفات و عدم نیاز به طرح دعوا در مراجع قضایی ملی و بین‌المللی؛ ۸. الگوبرداری سایر مراجع قضایی بین‌المللی از دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه اروپایی حقوق بشر، مبنی بر تفسیر موسع اساسنامه به نفع تعامل محیط زیست و انسان.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ابراهیم‌گل، علیرضا (۱۳۸۸)، *مسئولیت بین‌المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲. آرش پور، علیرضا (۱۳۹۲)، *مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست‌محیطی*، تهران: جنگل.
۳. پورنوری، منصور (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل دریاها، کنوانسیون حقوق دریاها*، تهران: مهد حقوق.
۴. صلح‌چی، محمدعلی؛ نژندی‌منش، هبیت‌اله (۱۳۸۹)، *حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی*، تهران: میزان.
۵. ----- (۱۳۹۳)، *حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی*، چ چهارم، تهران: میزان.
۶. ----- (۱۳۹۰)، *اسناد بین‌المللی راجع به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی*، تهران: جنگل.
۷. ضیایی بیگدلی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳)، *آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری*، ج ۴، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. ----- (۱۳۸۸)، *آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری*، ج ۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. کمالان، سید مهدی (۱۳۸۸)، *منشور سازمان ملل متحد*، تهران: کمالان.
۱۰. کوروکولاسوریا، لال؛ رابینسون، نیکلاس (۱۳۹۰)، *مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست*، ترجمه سید مهدی حسینی، تهران: میزان.
۱۱. میرعباسی، سید باقر؛ سادات میدانی، سید حسن (۱۳۸۴)، *دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل*، تهران: جنگل.

ب) مقالات

۱۲. امین منصور، جواد (۱۳۹۴)، «رابطه حقوق بشر و محیط زیست از منظر جامعه بین‌المللی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۹، ش ۳، صص ۲۱-۲۴.
۱۳. براون ویس، ادیت (۱۳۸۰)، «حفاظت از محیط زیست و حقوق نسل‌های آینده، در پرتو رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری»، ترجمه نادر ساعد، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال پانزدهم، ش ۳.
۱۴. پورهاشمی، سید عباس؛ دبیری، فرهاد؛ خلعتبری، یلدا؛ زارعی، سحر (۱۳۹۵)، «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۱۷، ش ۳.
۱۵. تئودورا اوگرینوپلو، دیونیزیا (۲۰۰۳)، «نقش نظام قضایی بین‌المللی در حل اختلافات زیست‌محیطی و راهکارهای تقویت دادرسی‌های بین‌المللی در این اختلافات»، ترجمه حسین یزدانی، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، بهار ۱۳۸۵، ش ۱۹.
۱۶. جلالی، محمود (۱۳۸۸)، «تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست و مشکلات آن»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۹، ش ۱.
۱۷. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ هیوا، حاجی ملا (۱۳۹۶)، «مداخله سازمان‌های غیردولتی به‌منزله "دوست دادگاه" در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۴.
۱۸. موسوی، سید فضل‌الله؛ حسینی، سید حسن (۱۳۹۴)، «تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوقی*، سال ۱۷، ش ۴۸.
۱۹. نجفی استاد، مرتضی؛ جلالیان، عسکر (۱۳۹۱)، «ضرورت تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست‌ویکم، ش ۶۳.

۲. انگلیسی

A) Books

2. Brownlie, Ian (1998), *Principles of Public International Law*, Clarendon Press, Oxford, Fifth Edition.
4. Graik, Nikol (2008), *The International Law of Environmental Impact Assessment*, Publisher: Cambridge University Press.
7. Mensha, Bismark (2002), *European Human Rights Case Summaries*, London: Cavendish Publishing Limited

9. Nacropy, Richard (2013), *The Long and Winding Towards an Environmental Court in England and Wales*, Published by Oxford University Press.

B) Article

17. Bosselmann, Klaus (2005), "Human Rights and the Environment: Redefining Fundamental Principles", *University of Auckland*.
19. Brownlie, Ian (1995), "The Peaceful Settlement of International Disputes in Practice".
20. Duncan, Brack (2001), "INTERNATIONAL ENVIRONMENTAL DISPUTES, International forums for non-compliance and dispute settlement in environment-related cases, Royal Institute of International Affairs", *London SW1Y 4LE, UK5*.

C) Judgments

27. ICJ (1974), "Case of Fisheries Jurisdiction, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Iceland"